آرمان ملی
armanmeli.ir
سال هشتم
شماره ۲۵۱۶
سه شنبه
۱۲ • ۰۸ • ۱۴۰۵
۲۳ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ / ۲۳ نوامبر ۲۰۲۶

ذره بین

سخنگوی وزارت امور خارجه:

ملاک ما عملکرد دولت آمریکاست نه لحن نامه

آرمان ملی: سخنگوی وزارت امور خارجه درلاره رایزنی‌های اخیر بین ایران و آمریکا از طریق میانجی‌ها و همچنین سفرهای دیپلماتیک برخی مقامات دیپلماتیک اظهار داشت: سفر معاون وزیر امور خارجه به دوحه با هدف تسهیل تعاملات میان میانجی و ایران انجام شد. با توجه به اینکه قطر در حال تسهیل تبادل پیام‌ها میان ایران و آمریکاست، آقای غریب‌آبادی نیز برای همین منظور در دوحه حضور داشتند و گفت‌وگوها همچنان ادامه دارد. اسماعیل بقائی گفت: موضوع، موضوع پیچیده‌ای است یا بهتر است بگویم موضوعات بسیار پیچیده‌ای در میان است و گذر زمان نیز با توجه به عملکرد آمریکا بر پیچیدگی آنها افزوده است. از نظر ما، تبادل پیام‌ها همچنان ادامه دارد و آمریکا باید این واقعیت را بپذیرد که ما هر آنچه را که به عنوان مطالبات مشروع ایران مدنظر بوده، در قالبی معقول از مدت‌ها قبل به طرف آمریکایی منعکس کرده‌ایم. وی افزود: وقتی از مطالبات صحبت می‌کنیم، باید در نظر داشته باشیم که اجرای این مطالبات برای بازگشت امنیت به منطقه ضروری است. نمی‌توان از امنیت تنگه هرمز ابراز نگرانی کرد، اما هم‌زمان به محاصره اقتصادی ایران ادامه داد، همه مواردی را که در قالب تفاهم اسلام‌آباد پذیرفته شده بود، کنار گذاشت و انتظار داشت ایران به‌صورت یک جانبه تعهداتی را بپذیرد. سخنگوی دستگاه دیپلماسی درباره نامه اخیر معاون رئیس جمهور آمریکا به دبیر شورای عالی امنیت ملی و گمانه‌زنی‌ها پیرامون لحن و پیشنهادهای متمایز آن بیان کرد: تفاوت در لحن و سبک نامه‌نگاری یک امر طبیعی است و افراد ممکن است با شیوه‌های گوناگونی بنویسند یا سخن بگویند، اما آنچه برای جمهوری اسلامی ایران ملاک قضاوت به شمار می‌رود، عملکرد عینی دولت آمریکاست. آمریکا در طول دو سال گذشته پیوسته بر طبل جنگ کوبیده و روندهای دیپلماتیک را یا در میانه راه مختل کرده و یا پس از به نتیجه رسیدن، نظیر تفاهم‌نامه اسلام‌آباد که مذاکره‌کننده ارشد آن همین نویسنده نامه بود و تنها دو تا سه هفته بعد زیر پا گذاشته شد، تخریب کرده است؛ تا جایی که رئیس جمهور آمریکا اخیراً آن روند را اتلاف وقت خواند؛ بنابراین هر حرکت دیپلماتیک از سوی طرف آمریکایی باید با نهایت احتیاط نگریسته شود. وی با تأکید بر اینکه تنها ابتکار واقعی موجود، طرح پیشنهادی تهران است، تصریح کرد: ابتکار دیپلماتیک همان طرحی است که جمهوری اسلامی ایران مطرح کرد و در جریان سفر هیات کشورمان به نیویورک به‌طور مفصل درباره آن بحث شد، نظرات طرف مقابل از طریق واسطه‌ها دریافت گردید و ملاحظات متقابل رد و بدل شد. این پیشنهاد همچنان روی میز قرار دارد و توپ کاملاً در زمین ایالات متحده است. هیچ توافقی شکل نمی‌گیرد و تنگه هرمز بازگشایی یا امن نمی‌شود مگر آنکه محاصره دریایی آمریکا پایان یابد و خواسته‌های مشروع ایران عملیاتی شود. بقائی درباره پاسخ به این نامه‌نگاری و سرنوشت میانجی‌گری‌ها بیان کرد: باتوجه به اینکه مخاطب نامه، دبیر محترم شورای عالی امنیت ملی بوده‌اند، تصمیم‌گیری پیرامون نحوه و کیفیت پاسخ بر عهده ایشان خواهد بود. با این حال، تأکید می‌کنم که این نامه آغازگر هیچ ابتکار جدیدی نیست و مبنای هرگونه تعامل غیرمستقیم از طریق واسطه‌ها، همان طرح مراحل هفت‌گانه جمهوری اسلامی ایران است. ما بر اساس حسن نیت خود این سازوکار را فشرده کرده‌ایم و در صورت پذیرش و اجرای مطالبات مشروع ایران، این امکان وجود دارد که ظرف دو روز کل طرح عملیاتی شود، امنیت به تنگه هرمز بازگردد و فرایند مذاکرات کلید بخورد؛ امری که تحقق آن تماماً به اراده و تصمیم واشنگتن بستگی دارد.

ایران فریب نمی‌خورد

سخنگوی وزارت امور خارجه در خصوص عملیات فریب آمریکا اذعان کرد: حتی به فرض اینکه پای یک عملیات فریب در میان باشد که البته از این جریان هیچ بعید نیست، باید به یاد داشت که هر عملیات فریبی نیازمند دو طرف است؛ یک فریب‌دهنده و یک فریب‌خورنده. پاسخ ما روشن است: فریب نخورده‌ایم و نخواهیم خورد؛ چراکه این نخستین تجربه ما در مواجهه با دولتمردان آمریکایی نیست. ما هرگز فراموش نکرده‌ایم که در جریان تهاجم نظامی ۲۳ خرداد ۱۴۰۴، رئیس جمهور آمریکا درست نیم ساعت پیش از آغاز حمله توییت زد و مدعی شد مذاکرات با ایرانی‌ها کماکان ادامه دارد. دستگاه دیپلماسی با اشراف کامل به تجارب دو سال اخیر و بدعهدی‌های گذشته نظیر سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۸ تصمیم‌گیری می‌کند. بقائی با تبیین ریشه‌های تکثر مواضع در هیات حاکمه ایالات متحده تصریح کرد: اینکه در لایه‌های قدرت آمریکا صداهای متفاوتی شنیده شود امری محتمل است؛ صداهایی که بخشی از آن بازتاب‌دهنده مطالبه جدی و انباشته‌شده افکار عمومی و ملت آمریکاست. واقعیت عینی این است که جامعه آمریکا از رفتارهای انگل‌وار رژیم صهیونیستی که بر گرده شهروندان آمریکایی سنگینی می‌کند، به‌شدت خسته و خشمگین است.

«آرمان ملی» پروژه جدید تندروها را بررسی می‌کند

القای اختلاف میان مسئولان

اسماعیل بقایی: مذاکره‌کننده ما جناب آقای قالیباف هستند



آرمان ملی- حمید شجاعی: تخریب، سیاه نمایی و دوگانه‌سازی محوریت برنامه‌های جریان خاص و تندرویی است که این روزها تلاش می‌کند در حوزه تصمیمات کلان و سیاست خارجی خود را میدان‌دار جلوه دهد و تلاش کند شرایط آنطور که دوست دارد پیش برود. امروز به طور قطع می‌توان گفت تنها چیزی که برای این جریان کوچکترین اهمیتی ندارد منافع ملی است و در پیگیری منافع جریانی و جناحی خود حتی به حمله، تخریب و تهدید مسئولان ارشد و سران قوا نیز می‌پردازند. هنوز فراموش نکرده‌ایم که این جریان حداقلی اما پر صدا در جریان آئین‌های تشییع و خاکسپاری رهبر شهید انقلاب و سایر شهدای جنگ ۴۰ روزه چه برخوردی با رئیس جمهور، وزیر امور خارجه و رئیس هیأت مذاکره‌کننده داشتند و چگونه آنها را مورد عنایت قرار دادند. کسانی که مدت‌ها در تجمعات شبانه به رغم بیانیه‌های متعدد رهبر انقلاب در خصوص لزوم وحدت و انسجام ملی و پرهیز از اختلاف افکنی در جامعه به طور مشخص و هدفمند مسئولان کشور، سران قوا و تیم مذاکره‌کننده را آماج حملات خود قرار می‌دادند. حال اینها تصور کرده‌اند که اگر برخی انتصابات صورت گرفت یا شاهد برخی تغییرات بودیم بدین معنی است که منویات آنها پیش رفته است. در حالی که تمامی ارکان نظام و حاکمیت در قالب یک کل واحد بدون هیچ اختلاف درونیه انجام وظایف و فعالیت‌های خود مشغولند. اینکه عده‌ای در فضای مجازی یا برخیب رسانه‌های منتسب به جریان تندرو جبهه پایداری بخواهند چنین القا کنند که در سطوح بالایی حاکمیت اختلافاتی وجود دارد این صرفا همان چیزی است که دشمن از قبل دنبال آن بوده و عجیب است که برخی تندروها نسبت به اهداف دشمن بی‌توجه هستند. فهم این موضوع چندان سخت نیست که چه جنگ و چه مذاکره تصمیمات در سطوح بالای کشور توسط مقامات عالیه کشور با هماهنگی مستقیم رهبر انقلاب و شعام اتخاذ می‌گردد. حال اینکه برخی جریانات یا رسانه‌هایشان برخی اتفاقات بی‌ربط را به هم مرتبط می‌کنند و از آن نتیجه‌گیری از اختلافات در نظام می‌کنند. چیزی جز ضرر، ایجاد هزینه، اختلاف و دوقطبی‌سازی به همراه ندارد.

دوگانه‌سازی تندروها

چند ماه پیش بود که در میان اخبار ریز و درشت سیاست داخلی و خارجی خبر رسید که محمدباقر ذوالقدر دبیر وقت شعام از سمت خود استعفا داده و پیرو این خبر حواشی بسیاری به وجود آمد تا اینکه خبر رسمیت یافت. این در حالی است که تندروها از ابتدا به جهت عدم قرابت مواضع ذوالقدر با مواضع آنها بارها وی را به باد انتقاد گرفته بودند و پس از استعفا نیز بارها و بارها از طرق مختلف خواهان حضور سعید جلیلی بر کرسی دبیری شعام شدند و گمانه‌زنی‌های بسیاری را پیرامون چرایی استعفای ذوالقدر مطرح کردند. اما جالب اینکه رهبر انقلاب در حکمی سرلشکر محسن رضایی دبیر وقت شورای عالی هماهنگی اقتصادی را به دبیری شعام برگزیدند و باز هم تیر تندروها به هدف ننشست. با این حال از همان زمان شروع به ایجاد انشقاق بین افراد حاضر در نظام کردند تا به نحوی دبیر شعام را در مقابل دولت یا تیم مذاکره‌کننده قرار دهند، اما هیچگاه موفق نشدند. در تازه‌ترین اقدام، پس از نامه اخیری که جی.دی ونس معاون رئیس جمهور آمریکا خطاب به محسن رضایی دبیر شعام نوشت و در آن با لحنی جدید طرح‌هایی را مطرح کرد، تندروها این مساله را دستاویزی قرار دادند برای تاختن به محمدباقر قالیباف، رئیس هیأت مذاکره کننده ایران و این گزاره خلاف واقع را مطرح کردند که قالیباف از ریاست هیات مذاکره کننده کنار گذاشته شده است و بدین سبب نامه به محسن رضایی نوشته شده است.

چنانکه رجانیوز رسانه تندروها در مطلبی با حمله به قالیباف نوشته است: «حافظه زیادی لازم نیست تا برای حامیان آقای قالیباف یادآوری شود که انتقادات جریان انقلابی به عملکرد او، بیش از آن که ناظر به شخص خودش یا به ادعای مشاورانش ناشی از نگرانی انتخاباتی (از رتبه سوم ریاست جمهوری و نفر چهارم تهران!) باشد، ناشی از کاستی‌هایی است که از پایبندی عملی او به اصول مشاهده می‌شود». در چنین شرایطی چند نکته قابل ذکر است که اساس منطق موجودیتی تندروها را با چالش مواجه می‌کند. نخست اینکه شما اصحاب خسارت و هزینه‌سازی برای کشور از چه زمانی متمایل به مذاکره شدید و چه شده مذاکره با آمریکا و نامه ونس برایتان مهم شده است؟ تا دیروز مذاکره را حرام و گذشتن از خون رهبری شهید می‌دانستید، اما امروز شادان از نامه ونس به رضایی آن را دستاویزی برای تخریب قالیباف و نشانه‌ای برای بی‌اثر کردن نقش وی قلمداد می‌کنید؟ لازم به ذکر است که اتفاق جدیدی رخ نداه که تندروها این میزان از خود بیخود شده‌اند. پیش از این نیز در زمان حیات شهید شمخانی و شهید لاریجانی تصمیمات کلان در باب مذاکرات از مسیر شعام و مدیریت آن می‌گذشت و این برای بار اول نیست که این اتفاق می‌افتد و مشخص نیست تندروها و رسانه‌هایشان از چه بابت خوشحالند؟ شاید از حضور سرلشکر رضایی در جایگاه دبیری شعام خوشحال هستند و تصور می‌کنند می‌توانند امیدوار باشند اهداف و منویاتشان به دلخواه پیش برود، اما غافل از اینکه تمامی تصمیمات در کشور با اراده رهبر انقلاب و خرد جمعی اعضای شعام به ریاست رئیس جمهور و البته همراهی دبیر شعام اتخاذ می‌گردد. حال اینکه بخواهند طبق معمول یک دوگانه مسموم شکل دهند و این بار محسن رضایی را در مقابل محمدباقر قالیباف قرار دهند و ایجاد اختلاف کنند راه به جایی نخواهند برد چراکه دبیر شعام و رئیس مجلس که همزمان ریاست هیأت مذاکره کنند را بر عهده دارد، رفاقت دیرینه‌ای با هم دارند و از آن گذشته نگاه مشترکی در کسب منافع ملی و مذاکره دارند. این دست اقدامات و اظهارات صرفا نیات ناصواب خود در تخریب هدفمند محمدباقر قالیباف را نشان می‌دهند، چراکه بر خلاف توهم تندروها نه تنها نقشی از قالیباف کمرنگ نشده؛ بلکه محسن رضایی صرفا در جایگاه دبیر شعام نامه ونس را دریافت کرده و اگر قرار بر مذاکراتی میان ایران و آمریکا باشد قطعا به ریاست محمدباقر قالیباف صورت خواهد گرفت.

انسجام بی‌سابقه مدیران

پس از اینکه گمانه‌زنی‌هایی پیرامون احتمال تغیرات در هیأت مذاکره‌کننده ایرانی مطرح شد سخنگوی وزارت امور خارجه به این مساله واکنش نشان داد. اسماعیل بقایی درخصوص تغییر در ترکیب تیم مذاکره‌کننده و تیم عالی مسئول در زمینه دیپلماسی اظهار داشت: «در رابطه با تغییر ترکیب تیم مذاکره‌کننده، دبیر محترم شورای عالی امنیت ملی به صراحت موضوع را تشریح کردند درباره روند مدیریت دیپلماسی کشور و اینکه شورای عالی امنیت ملی این روند را مدیریت می‌کند. منظور از شورای عالی امنیت ملی، ریاست محترم جمهوری به عنوان رئیس شورا و وزارت خارجه به عنوان عضو آن و سایر ارکان نظام است که در این شورا نقش و جایگاه دارند. سخنگوی دستگاه دیپلماسی بیان کرد: مذاکره‌کننده ما، همان‌طور که وزیر محترم امور خارجه نیز در مصاحبه اعلام کردند، جناب آقای قالیباف هستند. الحمدا... انسجام و همدلی میان تصمیم‌گیران و مراجع عالی تصمیم‌گیری حقیقتاً بی‌سابقه است و این موضوع را باید مورد توجه قرار داد.

«آرمان ملی» گزارش می‌دهد

بازداشت لیدر تجمعات انحرافی

آرمان ملی- مرتضی خبازیان: تجمعات شبانه که به شکل موثری در حمایت از نیروهای رزمنده در جنگ ایران با آمریکا و اسرائیل شکل گرفته بود، با پایان یافتن مرحله ملتهب جنگ به محل اظهارنظرهای سیاسی و جریانی تبدیل شد. دوره‌هایی را می‌توان در این تجمعات دید که شعارها به‌کلی در جهت خاصی تنظیم شده‌اند و سخنرانان نیز از سطح نظر به منافع ملی عدول کرده و به اهداف جریانی تمرکز داشته‌اند. تقریبا تمام دلسوزان نسبت به این تغییر مسیر هشدار داده و گفته بودند نباید از تجمعات شبانه برای حمله به این جناح یا آن فرد سیاسی بهره گرفت، چه رسد به اینکه از تجمعات برای اعمال فشار بر مسئولان تصمیم‌گیر استفاده شود. با این حال برگزارکنندگان تجمعات شبانه به گونه‌ای رفتار نکردند که نشان دهند چنین توصیه‌هایی را جدی گرفته‌اند. اکنون خبرگزاری میزان اعلام کرده که در پی رصدهای اطلاعاتی صورت‌گرفته درباره تحرکات برخی جریان‌های نفوذ که تلاش داشتند مطالبات بحق مردم مبعوث شده را در تجمعات خیابانی منحرف کنند، یکی از لیدرهای مرتبط در این رابطه، در روزهای اخیر بازداشت شد.

بازداشت لیدر

بازداشت یکی از لیدرهای تجمعات شبانه، آنطور که مرکز رسانه قوه قضاییه اعلام کرده، فقط یک خبر امنیتی یا قضایی نیست. چنین اتفاقی را باید از زوایای دیگری هم نگریست. باید روشن شود تجمعاتی که طی ماه‌های گذشته به‌عنوان نماد همبستگی و حمایت عمومی از کشور و نیروهای نظامی معرفی شده‌اند، تا چه اندازه از نظر سازماندهی، شعارها و جهت‌گیری سیاسی تحت کنترل هستند؟ اگر این تجمعات از نظم و انسجام کافی برخوردارند، چگونه ممکن است فردی در میان جمعیت به جایگاه لیدری برسد و تلاش کند مسیر شعارها و مطالبات را تغییر دهد؟ بر اساس اطلاعیه قوه قضائیه، زنی که در ارتباط با تجمعات شبانه بازداشت شده متهم است در هماهنگی تجمعاتی خارج از زمان‌های معمول و جهت‌دهی به شعارها با هدف دور کردن آنها از محورهای اصلی نقش داشته است. در این اطلاعیه همچنین ادعا شده که او برای برگزاری تجمعات جدید در تهران برنامه‌ریزی می‌کرده و در یک فایل صوتی از تلاش برای سرنگونی جمهوری اسلامی سخن گفته است. قوه قضاییه از شناسایی ارتباطات خارجی این جریان نیز خبر داده، اما جزئیات و مستندات آن هنوز منتشر نشده است. بنابراین، در حال حاضر باید میان آنچه به عنوان ادعای نهاد قضایی مطرح شده و آنچه به‌طور مستقل قابل احراز است، تفاوت گذاشت. هویت بازداشت‌شده و جزئیات پرونده نیز هنوز به‌صورت کامل در دسترس افکار عمومی قرار نگرفته است.

کنترل جمعیت

صرف نظر از مطالب مطرح شده در گزارش میزان، مسئولان برگزارکننده تجمعات اکنون باید توضیح دهند که آیا این احتمال وجود دارد که هنوز هم عده‌ای در تلاش باشند مسیر تجمعات شبانه را از هدف اصلی که همانا حمایت از میدان و نیروهای نظامی کشور است، منحرف کنند؟ اصلا چرا چنین زمینه‌ای وجود داشته که کسی بتواند در تجمعات شبانه نفوذ کرده و با طرح شعارهای متفاوت، بخشی از جمعیت را به سمت دیگری سوق دهد؟ شاید گفته شود که این اتفاق می‌تواند در هر تجمعی بیفتد و نمی‌توان همه افراد شرکت‌کننده در تجمعات را کنترل کرد. بله درست است، نمی‌توان همه افراد شرکت‌کننده را کنترل کرد اما اینجا موضوع لیدری تجمع و تاثیرگذاری بر شعارها و جهت تجمع است. ضمن اینکه می‌توان گفت که افراد مختلف در تجمعات شرکت می‌کنند و هریک دیدگاه‌ها و اهداف خود را دنبال می‌کنند، اما آیا برگزارکنندگان چه زمانی باید توجه کنند که تجمع از مسیر خود در معرض انحراف قرار گرفته تا جلو انحراف را بگیرند؟ درست است که برای تغییر فضای یک تجمع لزوماً نیازی نیست فردی بتواند تمام جمعیت را تحت فرمان خود درآورد و گاهی یک شعار متفاوت، اگر با نارضایتی‌های موجود در میان بخشی از حاضران همخوانی داشته باشد، می‌تواند مورد استقبال قرار بگیرد و تکرار شود، اما اینها هیچ یک نافی وظیفه سنگین برگزارکنندگان تجمع نیست. باید توجه داشت که اگر برگزارکنندگان تجمعات در انتخاب شعارها و جهت‌گیری سیاسی آنها نقش دارند، نمی‌توانند هنگام بروز شعارهای مسأله‌ساز، همه مسئولیت را به گردن عوامل نفوذی بیندازند.

وحدت یا افتراق؟

داستان از این قرار است که در تجمعات شبانه بارها دیده شده که شعارهایی علیه مسئولان ارشد کشور سر داده می‌شود. با توجه به بازداشت اخیر این سوال برجسته‌تر و جدی‌تر مطرح می‌شود که آیا برگزارکنندگان تجمع متوجه ابعاد احتمالی انحراف تجمع هستند؟ آیا دیدگاه‌های سیاسی خود را وارد تجمعات شبانه می‌کنند؟ به نظر می‌رسد که پاسخ مثبت باشد وگرنه دلیلی وجود ندارد که در اوج مذاکرات فشرده، مذاکراتی که چندین کشور منطقه را درگیر کرده و حتی بازتاب‌هایی در دیگر کشورها هم داشته، چرا باید علیه مسئولان مذاکره‌کننده شعار داده شود؟ حال اگر کسی از التهاب و هیجان جمع سوءاستفاده کرده و شعارها را به سوی قوه قضاییه کشاند، چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا کسی از برگزارکنندگان تجمع این توانایی را دارد که جلو شعارها را بگیرد؟ به بیان دیگر مرز میان اهداف مبتنی بر منافع ملی و منافع جریانی را چطور می‌توان برجسته کرد تا تجمعات خیابانی صرفا حول منافع ملی قرار داشته باشد و منافع جریانی و سیاسی وارد مطالبات جمعیت نشود؟ محمد بطحایی، معاون وزیر کشور و رئیس سازمان امور اجتماعی، از تذکر محرمانه به برخی افراد و تشکل‌هایی خبر داده بود که به گفته او در تجمعات شبانه دوقطبی‌سازی می‌کردند. او از ارسال نامه به یک تشکل و دو فرد سخن گفته بود.

پیام تجمعات شبانه

ممکن است بخشی از حاضران با سیاست‌های دولت یا رویکرد دیپلماتیک کشور مخالف باشند و تجمع را فرصتی برای بیان اعتراض خود بدانند. مسئولان برگزارکننده تجمعات باید بهتر از هرکسی بدانند که در چنین شرایطی مرز میان شعار اعتراضی خودجوش و شعار سازمان یافته را نمی‌توان فقط با محتوای شعار تعیین کرد و بایستی کنترل شعارها با معیار روشن و قابل پذیرش صورت گیرد. نهایت اینکه بازداشت اخیر نشان می‌دهد که برگزارکنندگان و نهادهای مسئول با مسأله‌ای واقعی در زمینه مدیریت و نظارت بر این اجتماعات روبه‌رو بوده‌اند. البته تردیدی نیست که پیچیدگی و دشواری قابل درکی برای جلوگیری از نفوذ در تجمعات وجود دارد، اما این پیچیدگی نافی وظیفه سنگین برگزارکنندگان نیست. به نظر می‌رسد که بهتر است که برگزارکنندگان تجمعات شبانه جلو شعارهای خارج از هدف اصلی شکل‌گیری تجمعات را بگیرند. این قطعی‌ترین و بهترین و البته کم‌هزینه‌ترین راه است وگرنه در تجمعاتی که قرار است نمایش وحدت باشد، زمینه برای بروز شعارهای متعارض و رقابت بر سر جهت‌دهی سیاسی فراهم خواهد شد. تجمع خیابانی زمانی از انسجام برخوردار است که میان هدف اعلام‌شده آن و خواست و برداشت حاضران فاصله وجود نداشته باشد. هر اندازه این فاصله بیشتر شود، کنترل ظاهری جمعیت نیز تضمینی برای یکدست ماندن پیام آن نخواهد بود.

گزارش

«آرمان ملی» نظرسنجی قبل از انتخابات میان دوره‌ای را بررسی می‌کند

دوئل در ۱۷ ایالت کلیدی



آرمان ملی- فرزاد آرام: انتخابات میان دوره‌ای کنگره آمریکا امروز (سه‌شنبه) مصادف با ۳ نوامبر برگزار می‌شود و پس از فراز و فرودهای متعدد همه به دنبال آن خواهند بود تا ببینند در نهایت چه اتفاقی برای کرسی‌های مجلس نمایندگان و سنای ایالات متحده رخ می‌دهد. در این میان صرفاً می‌توان به نظرسنجی‌ها استناد کرد تا در نهایت بتوان به صورت حدودی (نه قطعی) از نتایج احتمالی انتخابات میان دوره‌ای کنگره با خبر شد که البته نظرسنجی‌ها هم بر اساس مستندات سیاسی تاریخی می‌تواند تا حدی توصیف کننده فضا باشد. بر اساس مجموعه‌ای از نظرسنجی‌های نیویورک تایمز و دانشگاه سیه‌نا در آستانه انتخابات میان دوره‌ای سوم نوامبر، دموکرات‌ها تقریبا در هفت ایالت سرنوشت‌ساز (میشیگان، تگزاس، کانزاس، مین، اوهایو و آلاسکا و تا حدی آیووا) که تعیین می‌کند کدام حزب کنترل سنا را در دست دارد، از جمهوری‌خواهان جلوتر هستند. این نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که دموکرات‌ها در تگزاس، که از سال ۱۹۸۸ هیچ دموکراتی را به سنا نفرستاده و کانزاس، که از سال ۱۹۳۲ هیچ دموکراتی را انتخاب نکرده است، برتری قابل توجهی دارند. برای کسب اکثریت سنا، دموکرات‌ها باید از تمام کرسی‌هایی که در حال حاضر در اختیار دارند دفاع کنند و حداقل چهار کرسی را که در حال حاضر در اختیار جمهوری‌خواهان است، از دست بدهند. این یک نبرد دشوار تلقی شده است زیرا بسیاری از کرسی‌هایی که آنها برای کسب آن نیاز دارند در پایگاه‌های جمهوری‌خواهان قرار دارند. اما نظرسنجی‌های جدید نشان داد که نامزدهای دموکرات در پنج ایالتی که اکنون سناتورهای جمهوری‌خواه دارند، پیشتاز هستند و عملا در ششمین ایالت نیز با هم برابرند. آنها در کانزاس، مین، اوهایو و تگزاس پیشتاز هستند و در آلاسکا با اختلاف کمی اختلاف دارند. آنها عملا در آیووا با هم برابرند.

میدان اصلی نبرد

در میشیگان، تنها میدان نبرد اصلی سنا که از قبل در اختیار دموکرات‌ها بود، این نظرسنجی نشان داد که نامزد دموکرات با اختلاف دو رقمی پیشتاز است. این نظرسنجی‌ها شامل کارولینای شمالی نمی‌شود، جایی که نظرسنجی‌ها مدت‌هاست دموکرات‌ها را پیشتاز می‌دانند و جمهوری‌خواهان هزینه‌های انتخاباتی خود را کاهش داده‌اند. همچنین بر اساس نظرسنجی‌ها، نارضایتی از دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا و ناامیدی از مدیریت او در اقتصاد، جمهوری‌خواهان را به پایین می‌کشد. تنها ۳۸ درصد از رای‌دهندگان احتمالی، عملکرد شغلی ترامپ را در هفت ایالت در این نظرسنجی تایید کردند که با توجه به اینکه او فقط دو سال پیش در پنج ایالت با اختلاف دو رقمی پیروز شده بود، رقم بسیار پایینی است. قدرت تازه کشف شده دموکرات‌ها با افزایش اعتماد به این حزب برای مدیریت اقتصاد که موضوع اصلی انگیزشی برای رای‌دهندگان در سال جاری است، تقویت شد. دموکرات‌ها در سراسر میدان‌های رقابت، از نظر هزینه‌های زندگی ۹ درصد برتری دارند و در این اقدام حیاتی در تک‌تک ایالت‌ها پیشتاز بودند. اگر نظرسنجی‌ها دقیق باشند و این روندها ادامه داشته باشند، دموکرات‌ها کنترل سنا را به دست خواهند گرفت اما دلایلی برای نگرانی دموکرات‌ها وجود داشت؛ هنوز برخی از رای‌دهندگان مردد هستند و رای‌دهندگانی که فقط در ماه گذشته تصمیم گرفتند، با اختلاف ۹ درصدی جمهوری‌خواهان را ترجیح دادند. در رقابت سنا در تگزاس، جیمز تالاریکو قانونگذار ایالتی دموکرات، با اختلاف هفت درصد نسبت به کن پکستون، دادستان کل ایالت جمهوری‌خواه در میان رای‌دهندگان احتمالی پیشرو بوده است. در مین، سناتور سوزان کالینز آخرین سناتور جمهوری‌خواه باقی‌مانده در نیوانگلند، در مبارزات انتخاباتی مجدد خود از تروی جکسون، سناتور سابق ایالت دموکرات عقب است. جکسون با ۵۱ درصد در برابر ۴۵ درصد در میان رای‌دهندگان احتمالی پیشتاز است. در این نظرسنجی همچنین مشخص شد که در تمام ایالت‌ها به جز مین، نامزد دموکرات سنا نسبت به نامزد جمهوری‌خواه محبوبیت بیشتری داشت. همچنین در نظرسنجی تایمز و دانشگاه سیه‌نا که همین اواخر انجام شد، رقابت سنا در کارولینای جنوبی که به شدت جمهوری‌خواه است، مساوی بود. یکی از مزایای کلیدی نامزدهای دموکرات این است که آنها در هر ایالت مورد بررسی، با رای‌دهندگان مستقل پیشتاز هستند. این شامل آیووا نیز می‌شود، جایی که جاش تورک قانونگذار ایالتی دموکرات عملا با اشلی هینسون، نامزد جمهوری‌خواه برابری می‌کند.

جوانان و لاتین‌تبارها

نظرسنجی‌ها در ادامه نشان داد که تجدید حیات دموکرات‌ها با قدرت گرفتن مجدد در میان رای‌دهندگان جوان‌تر و لاتین‌تبارها و همچنین ضعف نسبی جمهوری‌خواهان در میان پایگاه رای‌دهندگان سفیدپوست طبقه کارگر این حزب، تقویت شده است. در این میان شبکه CNN نیز آخرین پیش‌بینی خود از نتایج انتخابات میان دوره‌ای آمریکا را اعلام کرد و بر این اساس، انتظار می‌رود که دموکرات‌ها ۲۳۷ و جمهوری‌خواهان ۱۹۸ کرسی مجلس نمایندگان آمریکا را به دست آورند. علاوه بر این، پیش‌بینی می‌شود که در مجلس سنای آمریکا، دموکرات‌ها ۵۲ و جمهوری‌خواهان ۴۸ کرسی را به دست آورند. به این ترتیب احتمالاً شاهد شکست هم حزبی‌های ترامپ در هر دو پارلمان آمریکا خواهیم بود. حال باید منتظر خروجی و اعلام نتایج انتخابات ماند.